

# عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ٧٦٩ هجرى قمرى

ترجمه، تحقيق، تفريغ أحاديث و بيان دلائل:

سيد مسلم تفت دار

مدرسه اميريه

جزيره قشتم – گياهدان

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ

يُنْدَبُ أَنْ يَقُومَ لَهَا بَعْدَ فَرَاحِ الْإِقَامَةِ،<sup>۱</sup> وَيُنْدَبُ الصَّفُّ الْأَوَّلُ،<sup>۲</sup> وَتَسْوِيَةُ الصُّفُوفِ،<sup>۳</sup> وَالْإِمَامُ آكِدٌ،<sup>۴</sup> وَإِتْمَامُ الصَّفِّ الْأَوَّلِ فَالْأَوَّلِ،<sup>۵</sup> وَجِهَةٌ يَمِينِ الْإِمَامِ أَفْضَلُ.<sup>۶</sup>

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَلَا تَقُومُوا حَتَّى تَرُونِي وَعَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ». بخاری ۶۳۸

هرگاه نماز اقامه کرده شد بلند نشوید تا مرا ببینید و آرامش داشته باشید.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التَّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَأَسْتَهْمُوا، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهْجِيرِ لَأَسْتَبَقُوا إِلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ، لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا». بخاری ۶۱۵

اگر مردم می دانستند که اذان دادن و صف اول چقدر فضیلت دارد، سپس نمی یافتند مگر این که بر آن قرعه کشی کنند؛ قرعه کشی می کردند. و اگر می دانستند که زود آمدن به نمازها چقدر فضیلت دارد بسوی آن از یکدیگر سبقت می گرفتند. و اگر می دانستند که در نماز عشا و نماز صبح چقدر اجر و پاداش وجود دارد به این دو نماز می آمدند و اگر سینه خیز باشد.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ». صحیح، ابن ماجه ۹۹۷

بدون شک خداوند و فرشتگانش بر صف اول صلوات می فرستند.

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَوُّوا صُفُوفَكُمْ، فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصُّفُوفِ مِنْ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ». بخاری ۷۲۳

صف‌هایتان را تسویه و برابر کنید. زیرا برابری کردن صف‌ها از تکمیل نماز است.

۴. عَنِ الثُّعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَوِّي صُفُوفَنَا حَتَّى كَأَنَّمَا يُسَوِّي بِهَا الْقِدَاحَ حَتَّى رَأَى أَنَا قَدْ عَقَلْنَا عَنْهُ، ثُمَّ خَرَجَ يَوْمًا فَقَامَ، حَتَّى كَادَ يُكَبِّرُ فَرَأَى رَجُلًا بَادِيًا صَدْرُهُ مِنَ الصَّفِّ، فَقَالَ: «عِبَادَ اللَّهِ لَتَسُوْنَ صُفُوفَكُمْ، أَوْ لِيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوهِكُمْ». مسلم ۴۳۶

رسول الله صلی الله علیه و سلم صف‌های ما را راست می‌کرد گویا این‌که تیرها را راست می‌کند. تا این‌که دانست ما خوب فهمیدیم. سپس روزی خارج شد و (برای نماز) ایستاد نزدیک بود تکبیر بیاورد که ناگهان مردی را دید که سینه‌اش از صف جلو آمده است. پس فرمود: ای بندگان خدا! صف‌هایتان را راست و برابر می‌کنید یا این‌که خداوند میان شما تفرقه می‌اندازد یا چهره‌هایتان را مسخ می‌کند.

۵. عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «مَا لِي أَرَاكُمْ رَافِعِي أَيْدِيكُمْ كَأَنَّهَا أَذْنَابُ خَيْلٍ شُمْسٍ؟ اسْكُنُوا فِي الصَّلَاةِ» قَالَ: ثُمَّ خَرَجَ عَلَيْنَا فَرَأْنَا حَلَقًا فَقَالَ: «مَا لِي أَرَاكُمْ عَزِينَ» قَالَ: ثُمَّ خَرَجَ عَلَيْنَا فَقَالَ: «أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟» فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالَ: «يُتِمُّونَ الصُّفُوفَ الْأُولَى وَيَتَرَاصُّونَ فِي الصَّفِّ». مسلم ۴۳۰

جابر بن سمره می‌گوید: روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم بر ما خارج شد و فرمود: شما را چه شده که می‌بینم دست‌هایتان بالا است؟. گویا دم اسبی است که تکان می‌خورد. سپس بر ما خارج شد و ما را حلقه‌حلقه دید. پس فرمود: شما را چه شده که می‌بینم متفرق شده‌اید؟. سپس (بار دیگر) بر ما خارج شد و فرمود: آیا صف نمی‌کشید همان‌گونه که فرشتگان نزد پروردگارشان صف می‌کشند؟ گفتیم: فرشتگان چگونه نزد پروردگارشان صف می‌بندند؟ فرمود: صف‌های اول را تکمیل می‌کنند و صف‌ها را برابر می‌کنند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَتِمُّوا الصَّفَّ الْمُقَدَّمَ، ثُمَّ الَّذِي يَلِيهِ، فَمَا كَانَ مِنْ نَقْصٍ فَلْيَكُنْ فِي الصَّفِّ الْمُؤَخَّرِ». صحيح، ابوداود ۶۷۱

صف جلویی را تکمیل کنید سپس صفی که به آن نزدیک است. هر چه نقص باشد باید در صف آخری باشد.

و بعد از فارغ شدن از اقامه سنت می‌شود که به نماز بایستد. و صف اول و برابری کردن صف‌ها سنت می‌شود و برای امام تأکید بیش‌تر شده است. تکمیل کردن صف اول پس (از آن، صف) اول (سنت می‌شود). و سمت راست امام بهتر است.

ثُمَّ يَنْوِي بِقَلْبِهِ،<sup>٦</sup> فَإِنْ كَانَتْ فَرِيضَةً وَجَبَ نِيَّةُ فِعْلِ الصَّلَاةِ،<sup>٧</sup> وَكُونَهَا فَرَضًا،<sup>٨</sup> وَتَعْيِينَهَا: ظَهْرًا، أَوْ عَصْرًا، أَوْ جُمُعَةً.<sup>٩</sup>

<sup>٦</sup> . عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: بَيْتٌ فِي بَيْتِ خَالَتِي مَيْمُونَةَ " فَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعِشَاءَ، ثُمَّ جَاءَ، فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ نَامَ، ثُمَّ قَامَ، فَجِئْتُ، فَقُمْتُ عَنْ يَسَارِهِ فَجَعَلَنِي عَنْ يَمِينِهِ. بخاری ٦٩٧

ابن عباس می‌گوید: شبی در منزل خاله‌ام میمونه خوابیدم. رسول الله صلی الله علیه و سلم نماز عشا را گزارد سپس آمد و چهار رکعت نماز سنت گزارد. سپس خوابید و سپس به نماز ایستاد. من سمت چپ ایشان ایستادم. ایشان مرا سمت راست خویش قرار داد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى مَيَّامِنِ الصُّفُوفِ». صحیح ابن حبان ٢١٦٠. تعلیق شعیب الأرنبوط: إسناده حسن كما قال الحافظ ابن حجر في «فتح الباری» ٢ / ٢١٣. قال النووی فی خلاصه الأحكام ٢٤٨٣: رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ عَلَى شَرَطِ مُسْلِمٍ، وَفِيهِ رَجُلٌ مُخْتَلَفٌ فِيهِ. وَصَحَّحَهُ أَبُو الْقَاسِمِ الطَّبْرَانِيُّ. وَأَشَارَ الْبَيْهَقِيُّ إِلَى تَضْعِيفِهِ. وَالْمُخْتَارُ تَصْحِيحُهُ فَلَمْ يَذْكَرْ مَا يَقْتَضِي ضَعْفًا.

قطعا خداوند و فرشتگانش بر سمت راست صف‌ها صلوات می‌فرستند.

<sup>٧</sup> . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». بخاری ١، مسلم ١٩٠٧

قطعا اعمال به نیت بستگی دارد.

نجم، عجاله، تحفه: به اجماع.

<sup>٨</sup> . نجم، عجاله، تحفه: تا این که از بقیه‌ی فعل‌ها متمایز گردد.

<sup>٩</sup> . مهذب، نجم و عجاله: تا این که از نماز بچه و معاده در جماعتی متمایز گردد. (منظور

از نماز معاده: اگر نماز فرض ظهر خواند و سپس جماعتی را درک کرد و همراه آنان نماز گزارد به این نماز، نماز معاده گفته می‌شود.)

<sup>١٠</sup> . نجم، عجاله و تحفه: تا این که از بقیه‌ی نمازها متمایز گردد.

سپس در قلبش نیت می کند. پس اگر نماز فرض باشد؛ نیت انجام دادن نماز (که بگوید: **أُصَلِّي**)، و فرض بودن آن، و تعیین آن (که) ظهر یا عصر یا جمعه (است) واجب می شود. (واجب در نیت: **أُصَلِّي**، **فَرَضَ الظُّهْرَ، اللهُ أَكْبَرُ**).

**وَيَجِبُ قَرْنُ ذَلِكَ بِالتَّكْبِيرِ، "فِيحِضْرُهُ فِي ذَهْنِهِ حَتْمًا، وَيَتَلَفَّظُ بِهِ نَدْبًا،" وَيَقْصِدُهُ مُقَارِنًا لِأَوَّلِ التَّكْبِيرِ وَيَسْتَصْحِبُهُ حَتَّى يَفْرُغَ.**

و همراه کردن نیت مذکور با تکبیره الاحرام واجب می شود. پس آن نیت را حتما در ذهنش حاضر می کند. و تلفظ به آن می زند از جهتی که سنت است. و با ابتدای تکبیره الاحرام قصد آن نیت می کند و آن را تا فارغ شدن (از تکبیر) ادامه می دهد.

**وَلَا يَجِبُ التَّعَرُّضُ لِعَدَدِ الرَّكْعَاتِ،<sup>۱۱</sup> وَلَا الْإِضَافَةُ إِلَى اللهِ تَعَالَى،<sup>۱۲</sup> وَلَا الْأَدَاءُ أَوْ الْقَضَاءُ، بَلْ يُنْدَبُ ذَلِكَ.**

<sup>۱۱</sup> . مهذب: زیرا اولین واجب از واجبات نماز است پس باید نیت با آن همراه باشد.

<sup>۱۲</sup> . نجم، عجاله و تحفه: تا این که زبان، قلب را یاری رساند.

نجم، نهاییه و مغنی: همچنین از وسواس دورتر است.

تحفه: بر حج قیاس گرفته می شود. (حدیث آن:)

**عَنْ أَنَسٍ قَالَ: أَنَا عِنْدَ ثَفَنَاتِ نَاقَةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حِينَ قَالَ: لَبَّيْكَ**

**بِحَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ مَعًا.** صحیح. مسند احمد ۱۳۳۴۹

من در کنار زانوهای شتر رسول الله صلی الله علیه وسلم حضور داشتم که (این چنین نیت

آورد و) فرمود: **لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ مَعًا.**

**عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَا مُوسَى،**

**كَيْفَ قُلْتَ حِينَ أَحْرَمْتَ؟» قَالَ قُلْتُ: لَبَّيْكَ إِهْلَالًا كِإِهْلَالِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.**

مسلم ۱۲۲۱

ابوموسی اشعری گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به من فرمود: ای ابو موسی! چگونه

(نیت) گفתי هنگامی که احرام آوردی؟ گفتم: **لَبَّيْكَ إِهْلَالًا كِإِهْلَالِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ**

**وَسَلَّمَ.**

و پرداختن به عدد رکعات واجب نمی‌شود و نه اضافه کردن به الله متعال، و نه ادا یا قضا. بلکه آن (موارد یاد شده) سنت می‌شود. (نیت با پرداختن به سنت‌ها: **أَصَلِّي، أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَرَضَ الظُّهْرَ، أَدَاءً، لِلَّهِ تَعَالَى، اللَّهُ أَكْبَرُ.**)

**وَإِنْ كَانَتْ نَافِلَةً مُوقَّتَةً وَجَبَ التَّعْيِينُ: كَعِيدٍ، وَكُسُوفٍ، وَإِحْرَامٍ، وَسُنَّةِ الظُّهْرِ، وَغَيْرِ ذَلِكَ.<sup>۱۵</sup> وَإِنْ كَانَتْ نَافِلَةً مُطْلَقَةً أَجْزَأُهَا نِيَّةُ الصَّلَاةِ.<sup>۱۶</sup>**

و اگر سنت وقت‌دار باشد، مانند عید، کسوف، سنت احرام، سنت ظهر و غیر آن؛ تعیین واجب می‌شود (که مثلا بگوید: **أَصَلِّي، سُنَّةَ الظُّهْرِ، اللَّهُ أَكْبَرُ.**) و اگر سنت مطلق باشد؛ نیت نماز کفایتش می‌کند (که بگوید: **أَصَلِّي، اللَّهُ أَكْبَرُ.**)

**وَلَوْ شَكَّ بَعْدَ التَّكْبِيرِ فِي النِّيَّةِ أَوْ فِي شَرْطِهَا فَيُمْسِكُ: فَإِنْ ذَكَرَهَا قَبْلَ فِعْلِ رُكْنٍ وَقَصَرَ الْفَضْلَ لَمْ تَبْطُلْ، وَإِنْ طَالَ<sup>۱۷</sup> أَوْ بَعْدَ رُكْنٍ قَوْلِيٍّ أَوْ فِعْلِيٍّ،<sup>۱۸</sup> بَطَلَتْ.**

و اگر بعد از تکبیره الاحرام در نیت یا در شرطی از آن شک کرد؛ دست نگه می‌دارد. پس اگر قبل از انجام دادن رکنی، نیت به یادش آمد و فاصله کوتاه بود؛ (نمازش) باطل نشده است. و اگر (فاصله) طولانی شد یا بعد از رکن قولی یا فعلی (نیت به یادش آمد؛ نمازش) باطل است.

**وَ [۱] لَوْ قَطَعَ النِّيَّةَ، [۲] أَوْ عَزَمَ عَلَى قَطْعِهَا، [۳] أَوْ شَكَّ: هَلْ قَطَعَهَا، [۴] أَوْ نَوَى فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى قَطْعَهَا فِي الثَّانِيَةِ، [۵] أَوْ عَلَّقَ الْخُرُوجَ بِمَا يُوجَدُ فِي الصَّلَاةِ يَقِينًا أَوْ تَوْهُمًا كَدُخُولِ زَيْدٍ؛ بَطَلَتْ فِي الْحَالِ.<sup>۱۹</sup>**

<sup>۱۳</sup> . مجموع: بنابر مذهب که شرط نیست و جمهور اصحاب ما شافعیون بر آن قطع کرده‌اند. و در وجهی که شرط است اما این قول غلط آشکاری است. اما اگر نیت نماز ظهر را پنج رکعت یا سه رکعت آورد؛ به خاطر تقصیرش، نمازش منعقد نشده است.

<sup>۱۴</sup> . نجم، عجاله: زیرا عبادت مسلمان فقط برای خداوند متعال است.

تحفه: زیرا به اعتبار واقع، نماز نمی‌باشد مگر برای خداوند.

<sup>۱۵</sup> . : تا این که از بقیه‌ی فعل‌ها و نمازها متمایز گردد.

<sup>۱۶</sup> . : تا این که از بقیه‌ی فعل‌ها متمایز گردد.

<sup>۱۷</sup> . مجموع: به خاطر انقطاع نظم نماز.

<sup>۱۸</sup> . مهذب: زیرا رکنی را در حالت شک در نیت انجام داده است.

و [۱] اگر نیت را قطع کرد [۲] یا بر قطع آن عزم و اراده کرد [۳] یا شک کرد که آیا نیت را قطع کرده است (یا نه)؟ [۴] یا در رکعت اولی نیت کرد که در رکعت دومی نماز را قطع کند [۵] یا خروج (از نماز را) به چیزی معلق کرد که به یقین یا به توهم در نماز یافته می‌شود مانند: دخول زید؛ (در هر پنج مسأله، نمازش) فوراً باطل می‌شود.

**وَلَوْ أَحْرَمَ بِالظُّهْرِ قَبْلَ الزَّوَالِ عَالِمًا لَمْ تَنْعَقِدْ،<sup>۱۹</sup> أَوْ جَاهِلًا انْعَقَدَتْ نَفْلًا.**

و اگر در حالت آگاهی، قبل از زوال آفتاب به نمازِ ظهر، تکبیره الاحرام آورد؛ (نمازش) منعقد نمی‌شود. یا به نادانی (قبل از زوال به نمازِ ظهر، تکبیره الاحرام آورد؛ برایش نماز) سنت منعقد می‌شود.

**وَلَفْظُ التَّكْبِيرِ مُتَعَيَّنٌ بِالْعَرَبِيَّةِ، وَهُوَ: اللَّهُ أَكْبَرُ،<sup>۲۰</sup> أَوْ: اللَّهُ الْأَكْبَرُ.<sup>۲۱</sup>**

و لفظ تکبیر به عربی تعیین و مشخص است. و آن: "اللَّهُ أَكْبَرُ" یا "اللَّهُ الْأَكْبَرُ" است.

<sup>۱۹</sup> . مهذب: زیرا نیت در تمامی نماز شرط است.

زیرا امور یاد شده با نیت - که در نماز رکن است - منافات دارد.

<sup>۲۰</sup> . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ سوره نساء، آیه

۱۰۳

همانا نماز برای مؤمنین، فرض و دارای وقت مشخص و محدودی می‌باشد.

<sup>۲۱</sup> . فیض الاله المالک و فتح الوهاب المالک: زیرا با سنت مطلق منافاتی ندارد.

<sup>۲۲</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ، وَتَحْرِيمُهَا

التَّكْبِيرُ، وَتَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ». صحیح، ابن ماجه ۲۷۶

کلید نماز، طهارت است. و دخول به آن - که سبب می‌شود بعضی چیزها حرام گردد - با تکبیر است. و پایان آن - که سبب می‌شود آن محظورات رفع گردد - با سلام است.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَأَسْبِغِ الوُضُوءَ، ثُمَّ اسْتَقْبِلِ

الْقِبْلَةَ فَكَبِّرْ. بخاری ۶۲۵۱

رسول الله صلى الله عليه وسلم به شخصی که نماز را اشتباه می‌خواند، فرمود: هرگاه

خواستی به نماز بایستی پس خوب وضو بگیر سپس رو به قبله کن و تکبیر بگو.

<sup>۲۳</sup> . نجم: زیرا به تکبیر، تلفظ زده و بر آن زیاد آورده است. و این زیاد به معنا و مقصود

تکبیر خللی وارد نمی‌سازد.

و [۱] لَوْ أَسْقَطَ حَرْفًا مِنْهُ، [۲] أَوْ سَكَتَ بَيْنَ كَلِمَتَيْهِ، [۳] أَوْ زَادَ بَيْنَهُمَا وَآوًا، [۴] أَوْ بَيْنَ الْبَاءِ وَالرَّاءِ أَلْفًا؛<sup>۲۴</sup> لَمْ تَنْعَقِدْ.

و اگر [۱] حرفی را از تکبیره الاحرام ساقط کرد [۲] یا بین دو کلمه‌ی "الله" و "أَكْبَرُ" سکوت کرد [۳] یا بین دو کلمه، واوی افزود (و گفت: "اللهُ وَأَكْبَرُ") [۴] یا بین باء و راء، الفی را زیاد کرد (و گفت: "أَكْبَارُ")؛ (در هر چهار مسأله، نمازش) بسته نمی‌شود.

فَإِنْ عَجَزَ لِحَرَسٍ وَنَحْوِهِ، وَجَبَ تَحْرِيكُ لِسَانِهِ وَشَفْتَيْهِ طَاقَتَهُ.<sup>۲۵</sup>

و اگر به سبب لالی و مانند آن (از تلفظ زدن به تکبیره الاحرام) عاجز شد؛ حرکت دادن زبان و دو لبش در حد توانش واجب می‌شود.

فَإِنْ لَمْ يَعْرِفِ الْعَرَبِيَّةَ كَبَّرَ بِأَيِّ لُغَةٍ شَاءَ،<sup>۲۶</sup> وَعَلَيْهِ أَنْ يَتَعَلَّمَ إِنْ أَمَكَّنَهُ،<sup>۲۷</sup> فَإِنْ أَهْمَلَ مَعَ الْقُدْرَةِ وَضَاقَ الْوَقْتُ تَرَجَّمَ وَأَعَادَ الصَّلَاةَ.<sup>۲۸</sup>

پس اگر زبان عربی را ندانست؛ به هر لغتی که بخواهد تکبیر می‌گوید. و اگر امکانش شد واجب اوست که بیاموزد. پس اگر با وجود توانائی (بر فراگیری) سهل‌انگاری کرد و وقت تنگان شد (تکبیره الاحرام را به گویش خودش) ترجمه می‌کند و نماز را اعاده می‌کند.

<sup>۲۴</sup> . زیرا در معنای تکبیر خلل وارد می‌شود.

<sup>۲۵</sup> . زیرا "أَكْبَارُ" معنای طبل می‌دهد. و اگر به عمد بگوید کافر می‌شود.

<sup>۲۶</sup> . قاعده‌ی فقهی: الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ.

قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأْتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ.

بخاری ۷۲۸۸

هرگاه شما را به کاری دستور دارم تا حد توان آن را انجام دهید.

<sup>۲۷</sup> . عجاله: در این حالت ترجمه می‌کند و به اذکار دیگر روی نمی‌آورد. زیرا رکنی است

که از آن عاجز مانده پس لابد است که بدل آن آورده شود و ترجمه به اصل نزدیک‌تر است تا اذکار دیگر.

<sup>۲۸</sup> . نجم: قاعده‌ی فقهی: مَا لَا يَتِمُّ الْوَاجِبُ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ.

<sup>۲۹</sup> . مجموع: به خاطر تقصیر و کوتاهی‌اش.



وَأَقْلُ التَّكْبِيرِ وَالْقِرَاءَةِ وَسَائِرِ الْأَذْكَارِ أَنْ يُسْمِعَ نَفْسَهُ إِذَا كَانَ صَحِيحَ السَّمْعِ بِلَا عَارِضٍ.<sup>۳۰</sup> وَيَجْهَرُ الْإِمَامُ بِالتَّكْبِيرَاتِ كُلِّهَا.<sup>۳۱</sup>

و کمترین تکبیر و قرائت و سایر اذکار (نماز به اندازه‌ای است) که خودش را بشنواند اگر بدون عارضه‌ای (مانند آلودگی صوتی) شنوایی‌اش سالم باشد. و (سنت می‌شود که) امام همه‌ی تکبیرات را بلند بگوید.

وَيُشْتَرَطُ أَنْ يُكَبَّرَ قَائِمًا فِي الْفَرَضِ. فَإِنْ وَقَعَ مِنْهُ حَرْفٌ فِي غَيْرِ الْقِيَامِ لَمْ تَنْعَقِدْ فَرَضًا،<sup>۳۲</sup> وَتَنْعَقِدُ نَفْلًا لِجَاهِلِ التَّحْرِيمِ<sup>۳۳</sup> دُونَ عَالِمِهِ.

و شرط کرده می‌شود که در نماز فرض، ایستاده تکبیره الاحرام بیاورد. پس اگر یک حرف از آن، در غیر قیام واقع شد؛ (برایش) نماز فرض منعقد نمی‌شود. و (اما) برای نادان به تحریم

<sup>۳۰</sup> . فتح الوهاب المالک: زیرا کم‌تر از این، حدیث نفس محسوب می‌شود.

<sup>۳۱</sup> . وَفِي حَدِيثِ ابْنِ مُسْهِرٍ: فَأَتَى بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى أُجْلِسَ إِلَيَّ جَنْبِهِ وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ وَأَبُو بَكْرٍ يُسْمِعُهُمُ التَّكْبِيرَ. مسلم ۴۱۸

(در بیماری که منجر به وفات رسول الله صلی الله علیه و سلم شد) رسول الله صلی الله علیه و سلم به مسجد آورده شد تا این که کنار ابوبکر صدیق، ایشان را نشانند. رسول الله صلی الله علیه و سلم به مردم نماز می‌گزارد و ابوبکر صدیق به آنان تکبیرات را می‌شنوید.

<sup>۳۲</sup> . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صَلَّى قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ

تَسْتَطِعَ فَعَلَى جَنْبٍ. بخاری ۱۱۱۷

ایستاده نماز بگزار، اگر نتوانستی نشسته نماز بگزار و اگر نتوانستی به یک پهلو نماز بگزار.

<sup>۳۳</sup> . عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ، أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي قَاعِدًا، قَالَ: «مَنْ صَلَّى قَائِمًا فَهُوَ أَفْضَلُ، وَمَنْ صَلَّى قَاعِدًا فَلَهُ نِصْفُ أَجْرِ الْقَائِمِ، وَمَنْ صَلَّى نَائِمًا فَلَهُ نِصْفُ أَجْرِ الْقَاعِدِ». صحیح، ابن ماجه ۱۲۳۱

از عمران بن حصین روایت شده که از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد شخصی پرسید که نشسته نماز (سنت) می‌گزارد. ایشان فرمودند: کسی که ایستاده نماز بگزارد پس آن بهتر است. و کسی که نشسته نماز بگزارد برایش نصف شخص ایستاده، پاداش است. و کسی که خوابیده نماز بگزارد برایش نصف شخص نشسته، پاداش است.

آن؛ نماز سنت بسته می‌شود به غیر از آگاه (به تحریم) آن (که برایش نمازی منعقد نمی‌شود نه فرض و نه سنت).

وَيُنْدَبُ رَفْعُ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ<sup>۳۴</sup> مُفَرَّقَةً الْأَصَابِعِ<sup>۳۵</sup> مَعَ التَّكْبِيرِ،<sup>۳۶</sup> فَإِنْ تَرَكَهُ عَمْدًا أَوْ سَهْوًا أَتَى بِهِ فِي أَثْنَاءِ التَّكْبِيرِ لَا بَعْدَهُ.<sup>۳۷</sup>

و بلند کردن دو دستش مقابل دو دوشش، در حالت جدائی انگشتان از همدیگر، همراه تکبیره الاحرام سنت می‌شود. پس اگر به عمد یا به فراموشی آن را ترک کرد در اثنای تکبیر آن را انجام می‌دهد نه بعد از تکبیر.

وَتَكُونُ كَفَّاهُ إِلَى الْقِبْلَةِ مَكْشُوفَتَيْنِ، وَيَحُطُّهُمَا بَعْدَ التَّكْبِيرِ إِلَى تَحْتِ صَدْرِهِ وَفَوْقَ سُرَّتِهِ،<sup>۳۸</sup> يَقْبِضُ كُوعَهُ الْأَيْسَرَ بِكَفِّهِ الْأَيْمَنِ،<sup>۳۹</sup> وَيَنْظُرُ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِهِ.<sup>۴۰</sup>

<sup>۳۴</sup> . مجموع و نجم: در مورد بلند کردن دست به هنگام تکبیره الاحرام، علما اجماع کرده‌اند.

<sup>۳۵</sup> . عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ نَشَرَ أَصَابِعَهُ. صحيح، ترمذی ۲۳۹

رسول الله صلی الله علیه و سلم هرگاه برای نماز، تکبیر می‌گفت انگشتانش را متفرق می‌کرد.

<sup>۳۶</sup> . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افْتَتَحَ التَّكْبِيرَ فِي الصَّلَاةِ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ حِينَ يُكَبِّرُ حَتَّى يَجْعَلَهُمَا حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ. بخاری ۷۳۸

رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم که نماز را با تکبیر آغاز کرد. هنگامی که تکبیر گفت دستانش را بلند کرد تا این که آن دو را مقابل دو دوشش قرار داد.

<sup>۳۷</sup> . مهذب: زیرا در اثنای تکبیر هنوز محل آن باقی است (اما بعد از تکبیر، دستانش را بلند نمی‌کند زیرا محل آن گذشته است).

<sup>۳۸</sup> . عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ قَالَ: «صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى عَلَى صَدْرِهِ». صحيح ابن خزيمة ۴۷۹، صححه النووي في

همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم نماز گزاردم. ایشان دست راستش را بر دست چپش بر سینه‌اش گذاشت.

عَنْ طَاوُسٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «يَضَعُ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى، ثُمَّ يَشُدُّ بَيْنَهُمَا عَلَى صَدْرِهِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ». صححه الالبانی، ابوداود ۷۵۹  
رسول الله صلی الله علیه و سلم در نماز، دست راستش بر دست چپش قرار می‌داد سپس میان آن دو را بر سینه‌اش می‌بست.

عَنْ ابْنِ جَرِيرِ الصَّبِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: «رَأَيْتُ عَلِيًّا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُمْسِكُ شِمَالَهُ بِيَمِينِهِ عَلَى الرَّسْغِ فَوْقَ السَّرَّةِ». ضعيف، ابوداود ۷۵۷  
علی بن ابی طالب رضی الله عنه را دیدم که دست چپش را با دست راستش بالای ناف گرفته است.

۳۹. عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ: أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى. مسلم ۴۰۱  
از وائل بن حجر روایت شده که دید رسول الله صلی الله علیه و سلم دست راست بر دست چپ گذاشت.

عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ: ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى ظَهْرِ كَفِّهِ الْيُسْرَى وَالرَّسْغِ وَالسَّاعِدِ. صحيح، ابوداود ۷۲۷  
سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم دست راستش بر پشت دست چپش، بر مچ و ساعد گذاشت.

۴۰. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَرْفَعُونَ أَبْصَارَهُمْ إِلَى السَّمَاءِ فِي صَلَاتِهِمْ»، فَأَشْتَدَّ قَوْلُهُ فِي ذَلِكَ، حَتَّى قَالَ: «لَيْتَنَّهُنَّ عَنْ ذَلِكَ أَوْ لَخُطَفَنَّ أَبْصَارُهُمْ». بخاری ۷۵۰

چیست حال کسانی که در نمازشان چشمانشان را بسوی آسمان بالا می‌برند. رسول الله صلی الله علیه و سلم در گفته‌اش پیرامون این موضوع شدت گرفت تا این که فرمود: یا از این کارشان دست بکشند یا قطعاً چشمانشان یک‌باره از آنان گرفته می‌شود.

عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " يَا أُنْسُ اجْعَلْ بَصْرَكَ حَيْثُ تَسْجُدُ. ضعيف، السنن الكبرى للبيهقي ۳۵۴۵

و دو کف دستش بسوی قبله می‌باشد در حالی که آن دو آشکار است. و بعد از تکبیره الاحرام، آن دو را به زیر سینه‌اش و بالای نافش می‌اندازد. میچ دست چپش را با کف دست راستش می‌گیرد. و به محل سجودش نگاه می‌کند.

---

ای انس! چشمت را جایی قرار بده که سجود می‌کنی.

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْحَوْلَانِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا قِلَابَةَ الْجُرْمِيِّ يَقُولُ: حَدَّثَنِي عَشْرَةٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي قِيَامِهِ وَرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ بِنَحْوِ مَنْ صَلَاةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَعْنِي عُمَرَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سُلَيْمَانُ: فَرَمَقْتُ عُمَرَ فِي صَلَاتِهِ فَكَانَ بَصَرُهُ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِهِ. ضَعِيفٌ، السَّنَنِ الْكَبْرَى لِلْبَيْهَقِيِّ ۳۵۴۳

ابوقلابه می‌گوید: ده نفر از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم مرا از نماز رسول الله صلی الله علیه و سلم در قیامش و رکوعش و سجودش به مانند نماز امیرالمومنین عمر بن عبدالعزیز خبر دادند. سلیمان بن داوود می‌گوید: من عمر بن عبدالعزیز را در نمازش تحت نظر گرفتم، چشمانش به محل سجودش بود.